

ستاره سيستان پروفيسر محمداظم سيستاني

اولين شناخت من از دانشمند سيستاني از روي مقاله شان پيرامون سرگذشت آب هيرمند، منتشره جريده كاروان، (در ۱۳۵۱ش) آواني بود كه همه روشنفكران افغان تشنه معلومات در اين موضوع بودند، زير اناسبات افغانستان و ايران بالاي مقدار حق آبه اي كه ايران مدعي آن بود، حساسيت اختيار كرده بود و جرايد كابل كنده كنده معلوماتي كه جنبه تحقيقاتي نداشت بدست نشر مي سپردند. مقاله دانشمند سيستاني بهترين تحقيقي بود در اين موضوع كه وزارت خارجه افغانستان را وادار ساخت مقداري از سوابق موضوع را از ارشيف وزارت خارجه بيرون بكشد و از طريق جرايد بدسترس مطالعه مردم بگذارد. در آن وقت من همينقدر از طريق استادان پوهنهي ادبيات فهميدم كه استاد سيستاني از فارغان پوهنهي ادبيات از رشته تاريخ بوده اند.

من در سال ۱۹۸۰م از كابل فرار وبه امريكا آمدم و سالها بعد (۲۰۰۰م) نام كانديد اكادميسين محمداظم سيستاني را در جريده «اميد» يافتم كه نقدي بسيار عالي بر دوجلدتاريخ مرحوم غبار نوشته بودند. نگاه در تلاش پيدا كردن آدرس شان شدم تا همكاري قلمي اين دانشمند افغان را براي خوانندگان مجله آئينه افغانستان جلب نمايم. وافتخار دارم كه اين همكاري از چند سال باينطرف صفحات مجله افغانستان را غني ساخته ، اما با تاسف بايد بگويم كه تا حال افتخار ديدار سيستاني صاحب برايم ميسر نشده است.

استاد سيستاني شايد به ارتباط زادگاه خويش و اجدادش كه در منطقه سيستان تاريخي بود وباش داشته ، تخلص "سيستاني" را انتخاب نموده باشند و در مدت كار و اقامت در افغانستان آنقدر آثار علمي و تحقيقي در باره سيستان نوشتند كه موقف و مقام علمي و اكادميك سيستان شناس يا "ستاره سيستان" را كمائي كردند، اما در دوره هجرت و اقامت در سوئد نيز آنقدر آثار و مقالات تحقيقي به ارتباط معضلات سياسي افغانستان و اوضاع ناهنجار اقتصادي- اجتماعي وطن خود نوشتند و توسط جرايد برون مرزي در اروپا و امريكا نشر كردند كه ميسزد اين دانشمند عالي مقام را (ستاره افغانستان) ناميد، زيرا وقت گرانبها و در آمد ناچيز فاميل خود را في سبيل الله وقف افغانستان كرده است.

در اين اواخر يك اثر وزين و بسيار آموزنده تاريخي از ايشان تحت عنوان "علامه محمود طرزي، شاه امان الله و روحانيت متنفذ" بدست من رسيده كه جناب استاد محمداسحاق نگارگر تقيي بر آن نوشته و مقام مولف كتاب جناب سيستاني را از روي استحقاق برجاي بزرگاني مانند "مرحوم كهزاد، مرحوم غبار و مرحوم استاد حبيبي" قرار داده است. من كه به شخصيت و دانش استاد نگارگر ارج فراوان ميگذارم و از ايشان و طرز نگارش و قضاوت شان شناخت قديم دارم، اين بار اول است كه در ميان دانشمندان افغان، چنان مقام شامخ علمي را به پروفيسر سيستاني قايل شده اند و هر آئينه قابل تائيد است.

استاد سيستاني در يك اثر تحقيقي - علمي ديگر خودكه از طرف اكادمي علوم افغانستان چاپ شده، علل ناكامي اصلاحات ارضي را در افغانستان بر رسي نموده ، شتابزدگي ، برخورد خشونت بار با مالكان زمين، بي برنامه گي ،

فقدان امکانات لازم دولت برای تحقق یک امر بسیار با اهمیت مالکیت زمین را که ریشه در دیانت و عنعنات مردم دارد، عامل این ناکامی خوانده و دوسوال جالب ذیل را عنوان کرده است که:

۱- آیا اصلاحات ارضی در ذات خود یک طرح غلط و نادرست بود یا بر خورد با این طرح از نقطه نادرستی آغاز شد؟
۲- اصلاً چرا «فیودالیزم» در کشور ما اینقدر از خود جان سختی نشان میدهد که حتی یک ابر قدرت چون شوروی را با تمام تجارب نظامی - سیاسی اش بزانو در آورد و او را در تحقق بر نامه هایش ناکام و در انظار جهانیان خوار و سر افکنده ساخت ؟" (ص ۲۷۸)

حالا از برخورد چند ساله مردم با ابرقدرت سرمایه داری در افغانستان، سوال مشابه دیگری عنوان شده میتواند که: چرا فیودالیزم افغانی هنوز هم به مقابل ابرقدرت کاپیتالیستی چنان جان سختی از خود نشان میدهد که آن را در تحقق برنامه هایش ناکام ساخته است؟ اینکه من "فیودالیزم" را "فیودالیزم افغانی" میخوانم، بخاطریست که به عقیده من فیودالیزم در افغانستان با فیودالیزم مکتبی در اروپا فرق فاحش داشته دارد! امیدوارم دانشمندان حاضر در این محفل باشکوه دوسوال فوق راتحت مطالعه قرار داده در فرصت مناسب در زمینه اظهار نظر نمایند.

مشاهدات استاد سیستمی از رویدادهای رژیم حزب دموکراتیک خلق و حکومت مجاهدین بسیار جالب و واقع بینانه است، او میگوید: «... وقتی کودتای ثور از جانب حزب دموکراتیک خلق به پیروزی رسید، تمام مقامات دولتی از طرف اعضای آن حزب اشغال گردید و افراد غیر حزبی از مقام ورتبه خود محروم ساخته میشدند...» (ص ۲۷۳) و در دوران اشغال کشور توسط شوروی پیرامون بی صلاحیتی رئیس و اعضای شورای انقلابی مینویسد: «... نه هیات رئیسه و نه شورای انقلابی و نه هم رئیس شورای انقلابی، کمترین صلاحیت و آزادی عملی از خود نداشتند و متن تمام فرامین، فیصله ها و لوایح تقنینی، قبلاً از جانب مشاورین شوروی نوشته، ترجمه، تایپ و برای امضاء در جلسات هیات رئیسه و جلسات شورای انقلابی پیش میگردید و امضاء گرفته میشد...» (ص ۲۸۳)

استاد سیستمی توقعات مردم جنگزده و ستم کشیده را از حکومت مجاهدین چنین بیان میکند: «مردم از مجاهدین انتظارات دیگری داشتند و امیدوار بودند که با آمدن آنان و استقرار حکومت اسلامی، دامن جنگ و خون ریزی و برادرکشی یکباره برچیده می شود. دیگر صدای وحشتناک راکت و خمپاره، خواب آرام کودکان شان را برهم نمیزند و از صدای هولناک توپ و راکت و بمباران اطفال بخود نمی لرزند. و مادران دیگر بداغ فرزندان و جگر گوشه های خویش نمی سوزند. زنان تازه عروس بزودی بیوه نمی شوند. دیگر فقر و گرسنگی و ماتماری از دیار مارخت بر می بندد، و بجای آن خنده شادمانی بر لب ها می شگفت. رفته گان دو باره بخانه و کاشانه خویش برمیگردند و بکار عمران و شادابی و باز سازی میهن پرداخته می شود. اما متأسفانه که این آرزوها به یأس و نا امیدی و درد بیکران مردم مبدل شد. مجاهدین بانسان دادن سیمای خشونت بار از خود، بدترین و نا بخشودنی ترین حزبی های رژیم گذشته را برائت دادند، و آنانی که برای سقوط رژیم گذشته دعا میخواندند، بدترین های رژیم قبلی را بر مجاهدین جنگ افروز و مرگ آفرین افغان ترجیح میدادند...» (ص ۲۹۴)

در چند سال اخیر که افتخار همکاریهای قلمی و صحبتهای تلفونی آقای سیستمی را داشته ام، او را شخص نهایت وطن دوست، متواضع، عاری از تبعیض و خیر خواه تشخیص داده ام و از دوستان دیگری که ایشان را از نزدیک و قدیم میشناخته اند در باره شان صفات و حسنات بیشتر شنیده ام. اودر بیوگرافی خود، خودش را چنین معرفی کرده است: « جوانمردی را می ستایم و از دروغ و ترفند و کژی و نادرستی بیزارم. من صداقت در رفاقت را دوست دارم و تا

خطای از دوستی ندیده ام ، دل از دوستی او برنکنده ام. هرگز برای کسی بیش از آنچه بوده ام، خود را نشان نداده ام.... من بخاطر استقلال فکری و آزادی بیان و عقیده ام، عضویت هیچ حزب سیاسی رانداشته ام، اما بدون تردید از دموکراسی و عدالت اجتماعی و از آزادی بیان و قلم و عقیده و از تساوی حقوق زن و مرد در جامعه حمایت میکنم...»(ص ۲۶۵)

از ابتکار جناب غمخور صاحب و همکاران شان در سویدن که برای تقدیر از خدمات علمی و فرهنگی پروفیسر سیستانی و تجلیل و بزرگداشت از مقام والای شخصیت نیک شان این محفل پر شکوه را برگزار نموده اند، صمیمانه استقبال و تقدیر مینمایم. سلامها و تمنیات نیک خود را به هموطنان محترم مقیم سویدن و حاضرین محترم در این محفل تقدیم میکنم.

با تقدیم احترامات فایقه ، خدمتگار افغانستان

دکتور سیدخلیل الله هاشمیان ، کلیفورنیا، امریکا، ۱۲ نومبر ۲۰۰۶